

ایرج افشار

۱۳۸۹-۱۳۰۴

ایرج افشار دیگر نیست. خواندن، دیدن، جستن، نوشتن و باز هم و همواره جستن و نوشتن، زیستن او بود.

افشار بیش از نیم قرن تلاش و کوشش و حضور فعال در ادب و فرهنگ ایران بود. به یمن کوشش و پشتکار او "تحقیقات و مطالعات ایرانی" رونقی تازه یافت. هر جا که بود، در هر زمان به گردآوری اسناد و متون و نوشته ها و مانده های ایام دیرینه همت گماشت.

این چنین بود که درین و آن کتابخانه و مرکز اسناد به همت او، انبوه بیشماری از دستنوشته ها، فرمانها، نامه ها، متنها، عکسها، نقشه ها و نشریه ها و کتابها و روزنامه ها گردآوری شد. چند صد کتاب و مقاله و رساله و دستنوشته و مجموعه و بررسی و پژوهش که از او، به قلم و پژوهش او، و یا به همت و نظر او طبع و نشر یافت، این و آن زمان و دوران فرهنگ و تاریخ ایران را از تاریکی، فراموشی و جهل و ابهام به دور کرد و گستره دانش به گذشته ها و گذشتگان را وسعت بخشید. نسلهایی از پژوهندگان در جست و جوی پاسخی به پرسشهای خود، همچنان و همچنان، و تا زمانهای بسیار، ناگزیر به مراجعه، مطالعه و بهره گیری از آثار او خواهند ماند.

تفحص و تحقیق در پست و بلند روند تجدد و تجددخواهی در ایران و در تغییراتی که به انقلاب مشروطه انجامید یکی از زمینه های اصلی و مهم پژوهشها و بررسیهای ایرج افشار بود که با نوشته های خود جلوه ها و برهه های کم شناخته و یا ناشناخته ای از عصر مشروطیت را به روشنائی آورد و باز شناساند. این چنین بود که هم از عکس و عکاسی، طبع و چاپ و روزنامه تا دگرگونی در پوشاک و نوآوری درخوراک و آشپزی سخن نوشت و هم چهره و کار و کارنامه مردمان و بزرگانی از آن عصر، از اعتمادالسلطنه تا عین السلطنه، از سید جمال الدین اسدآبادی تا محمد قزوینی، از سید حسن تقی زاده تا محمدعلی فروغی و از علی اکبر دهخدا تا محمد مصدق، را بهتر و بیشتر شناساند.

افشار از نخستینها بود. از نخستینهای کتابداری. از نخستینهای کتابشناسی. از نخستینهای کتابنامهنویسی. از نخستینهای چاپ و بازچاپ متون کهن و اسناد نایاب و کمیاب. افشار در جدال گنگ "غرب" و "شرق"، "تقلید امروز" و "اصالت دیروز"، "معنویت این" و "مادیت" آن دیگر، گرفتار نیامد. ایران بود و جهانی. جهان بود و ایرانی. ذره ذره جهان را در جست و جوی ایران می پیمود و در ذره ذره ایران خبر از جهان می جست. و می جست و می یافت و می نوشت. و همواره با آزادگی و شکیبائی و گشادهروئی. و بر کنار از هر آنچه رنگ تعلق پذیرد.

افشار حرمت گذشته و گذشته ها بود و در گردبادهای حوادث و رویدادهای زمانه، و در پی مصلحت روز، قلم به پلیدی ها نیالود. پاس اندیشه و علم، کلام و کلمه را رها نکرد. در قلم او، زبان فارسی روانی، روشنی، صحت و دقت دیگری یافت. افشار حرمت دانش و فرهنگ بود.

افشار "راهنمای کتاب" بود، "فرهنگ ایران زمین" بود. افشار، "جهان نو" بود، "آینده" بود. گریزان از تاریکیها و دل نگران روشنائیها.

افشار، از روشندان بود. افشار، از بیداریادان است.

۲۴ اسفند ۱۳۸۹ - ۱۵ مارس ۲۰۱۱

سیروس آریانپور - نعمت آزر - تورج اتابکی - کامبیز اسلامی - آذر اشرف - احمد اشرف - رضا براهنی - علی بنوعزیزی - سهراب بهداد - شهرنوش پارسپور - ناصر پاکدامن - ایرج پزشکزاد - محمد جلالی (م. سحر) - علی اصغر حاج سیدجوادی - سروش حبیبی - نسیم خاکسار - هادی خرسندی - اسماعیل خویی - مهدی دانشپژوه - جلیل دوستخواه - مجید روشنگر - علی رهنما - بتول عزیزپور - آنا عنایت - محمود عنایت - فرهنگ قاسمی - شهرام قنبری - کیان کاتوزیان (حاج سیدجوادی) - داریوش کارگر - احمد کریمی حکاک - هوشنگ کشاورز صدر - جان گرنی - مریم متین دفتری - هدایت متین دفتری - رضا مرزبان - باقر مؤمنی - فرهاد نعمانی - مجید نفیسی - وحید نوشیروانی - محسن یلفانی.